بسم‌الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[وطی میت 2](#_Toc428360130)

[مستندات بحث 2](#_Toc428360131)

[روایت اول 2](#_Toc428360132)

[روایت دوم 2](#_Toc428360133)

[طایفه دوم از روایات 3](#_Toc428360134)

[روایت اول 3](#_Toc428360135)

[بررسی روایت 3](#_Toc428360136)

[روایت دوم 4](#_Toc428360137)

[بررسی روایت 4](#_Toc428360138)

[پاسخ از استدلال فوق 4](#_Toc428360139)

[دلیل دوم بر تعزیر 4](#_Toc428360140)

[مناقشه در استدلال فوق 5](#_Toc428360141)

[اتخاذ مبنا 5](#_Toc428360142)

[فرع دوم: وطی زوجه میته 5](#_Toc428360143)

[بررسی این فرع 5](#_Toc428360144)

[لواط میت 5](#_Toc428360145)

[حکم استمناء 5](#_Toc428360146)

[مستند بحث 6](#_Toc428360147)

[روایت اول 6](#_Toc428360148)

[روایت دوم 6](#_Toc428360149)

# وطی میت

در نزد مشهور فقها بلکه مجمع علیه از آنان، زنای به میته حکم همان زنای با حی را دارد و همان حد برای او ثابت است. و همان تفاصیلی که در زنای با حی وجود داشت، بدین جا نیز تسری پیدا می‌کند. البته نظر مشهور این است که تعزیری نیز در اینجا وجود دارد که به نحوی مستقل باید اجرا شود.

# مستندات بحث

اما در قبال تسری حکم حی به میته در این مقام روایاتی وجود دارد که در ابواب حد سرقت، باب نوزده، حدیث دوم، صفحه 510 ذکرشده است.

# روایت اول

این روایت معتبره ایست؛

**«وَ رُوِی عَنْ آدَمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجُعْفِی قَالَ کنْتُ عِنْدَ أَبِی جَعْفَرٍ ع وَ جَاءَهُ کتَابُ هِشَامِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِک فِی رَجُلٍ نَبَشَ امْرَأَةً فَسَلَبَهَا ثِیابَهَا وَ نَکحَهَا فَإِنَّ النَّاسَ قَدِ اخْتَلَفُوا عَلَینَا هَاهُنَا طَائِفَةٌ قَالُوا اقْتُلُوهُ وَ طَائِفَةٌ قَالُوا أَحْرِقُوهُ فَکتَبَ ع إِلَیهِ أَنَّ حُرْمَةَ الْمَیتِ کحُرْمَةِ الْحَی حَدُّهُ أَنْ تُقْطَعَ یدُهُ لِنَبْشِهِ وَ سَلْبِهِ الثِّیابَ وَ یقَامَ عَلَیهِ الْحَدُّ فِی الزِّنَا إِنْ أُحْصِنَ رُجِمَ وَ إِنْ لَمْ یکنْ أُحْصِنَ جُلِدَ مِائَةً» [[1]](#footnote-1)**

# روایت دوم

این روایت معتبره است؛

**«مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ الْمُفِیدُ فِی کتَابِ الْإِخْتِصَاصِ عَنْ عَلِی بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِیهِ قَالَ: لَمَّا مَاتَ الرِّضَا ع حَجَجْنَا- فَدَخَلْنَا عَلَی أَبِی جَعْفَرٍ ع وَ قَدْ حَضَرَ خَلْقٌ مِنَ الشِّیعَةِ- إِلَی أَنْ قَالَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع- سُئِلَ أَبِی عَنْ رَجُلٍ نَبَشَ قَبْرَ امْرَأَةٍ فَنَکحَهَا- فَقَالَ أَبِی یقْطَعُ یمِینُهُ لِلنَّبْشِ وَ یضْرَبُ حَدَّ الزِّنَا- فَإِنَّ حُرْمَةَ الْمَیتَةِ کحُرْمَةِ الْحَیةِ- فَقَالُوا یا سَیدَنَا تَأْذَنُ لَنَا أَنْ نَسْأَلَک قَالَ نَعَمْ- فَسَأَلُوهُ فِی مَجْلِسٍ عَنْ ثَلَاثِینَ أَلْفَ مَسْأَلَةٍ- فَأَجَابَهُمْ فی‌ها وَ لَهُ تِسْعُ سِنِینَ.»[[2]](#footnote-2)**

داخل بر امام جواد (ع) شدیم و جمع زیادی از شیعیان گرداگرد حضرت جمع شده بودند که این سؤال از امام پرسیده شد.

# طایفه دوم از روایات

در برابر این روایات، روایاتی در ابواب نکاح بهائم، جلد هیجده، صفحه 573 وجود دارد که؛

# روایت اول

قاسم بن محمد و هم نعمان بن عبدالسلام در این روایت محل بحث هستند. لذا روایت ضعیف است.

**«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِی بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِی بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِی عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَیمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَنِ النُّعْمَانِ بْنِ عَبْدِ السَّلَامِ عَنْ أَبِی حَنِیفَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ زَنَی بِمَیتَةٍ قَالَ لَا حَدَّ عَلَیهِ.»[[3]](#footnote-3)**

# بررسی روایت

مرحوم شیخ در تهذیب این روایت را حمل کرده‌اند بر اینکه حدی غیر از زنا برای او نیست. البته این حمل تبرعی است. حمل تبرعی دیگری نیز صورت گرفته که مقصود از میته در اینجا همسر خود فرد بوده است. البته مرحوم صاحب وسائل می‌فرماید ممکن است، این را حمل کنیم بر آنجایی که ادعاشده، ولی خودش انکار می‌کند که این نیز حمل تبرعی است. همچنان که برخی بدین‌صورت احتمال داده‌اند که در اینجا مراد از زنا مقدمات آن بوده است.

# روایت دوم

همان‌طور که گفته شد در کنار این حکم برخی قائل به تعزیر به نحو مستقل نیز شده‌اند که از روایت دوم به نحو التزامی برخی این استفاده را نموده‌اند. این روایت معتبره است، اما چون مرسله ابن ابی عمیر است، طبعاً اگر فردی آن را قبول نداشته باشد، نمی‌تواند این روایت را بپذیرد، لذا این روایت نزد ما اعتباری ندارد؛

**«رَوَی مُحَمَّدُ بْنُ عَلِی بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَیوبَ بْنِ نُوحٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِی بْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عن أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع فِی الَّذِی یأْتِی الْمَرْأَةَ وَ هِی مَیتَةٌ قَالَ وِزْرُهُ أَعْظَمُ مِنْ ذَلِک الَّذِی یأْتِیهَا وَ هِی حَیةٌ.» [[4]](#footnote-4)**

# بررسی روایت

در روایت فرموده شده؛ گناه او بالاتر از آنی است که زنا بکند، درحالی‌که او زنده است. به این استدلال شده است، برای اینکه چون وزرش اعظم است پس باید غیر از حد زنا اضافه‌ای هم داشته باشد که تعزیر است.

# پاسخ از استدلال فوق

اما از این استدلال پاسخ‌داده‌شده است که معلوم نیست اعظم بودن وزر جنبه دنیوی و تشدید حد او را می‌گیرد یا اشاره به عذاب اخروی دارد. البته ممکن است در این جواب مناقشه شود که وقتی سائل این‌گونه سؤال می‌پرسد به‌احتمال‌زیاد سؤال او از حد است یا لااقل شامل بحث حد می‌شود. همچنان که ممکن است بگوییم وزر اطلاق داشته و هر دو جنبه دنیوی و اخروی را دربر می‌گیرد.

لذا بعید نیست بشود از آن تعزیر را استفاده نمود.

## دلیل دوم بر تعزیر

ممکن است کسی ادعا کند که در اینجا چون معصیت کبیره است پس برای فرد تعزیر لازم است.

## مناقشه در استدلال فوق

اما می‌توان این‌گونه جواب داد که این قاعده درجایی است که حدی تشریع نشده باشد. می‌توان از این نیز پاسخ داد که در اینجا چون عمل مشتمل بر معصیت کبیره است لذا تعزیر برای آن بعد اضافی ثابت است. این مانند حالتی است که فرد دریکی از اماکن مقدسه مرتکب زنا شود.

## اتخاذ مبنا

بعید نیست که تعزیر در این مقام ثابت باشد.

### فرع دوم: وطی زوجه میته

فرع دوم در قبال وطی زوجه میته است. در اینجا دلیل خاصی وجود ندارد. لذا حد در اینجا معنا ندارد.

### بررسی این فرع

در اینجا صدق زنا وجود ندارد. چراکه بسیاری از علاقات زوجیت بعد از مرگ باقی است مانند نگاه، غسل و...علاوه بر اینکه چون در اینجا در ثبوت زنا شک داریم اصل بر عدم آن گذاشته می‌شود. لذا نمی‌شود به ادله زنا تمسک نمود. اما ممکن است بگوییم در اینجا اجماع وجود دارد که چون هتک میت حرام است، پس این عمل نیز حرمت دارد. البته در معصیت کبیره بودن هتک میت محل تأمل است.

اما در سایر تمتعات گناه اگر کبیره باشد تعزیر ثابت خواهد بود و الا خیر.

#### لواط میت

مشهور در قبال لواط میت در این مقام نیز همین نظر را دارند اما باز دلیل خاصی در این زمینه وجود ندارد. و می‌توان از همان تعلیل عام یکسان بودن حرمت میت و حی استفاده نمود.

#### حکم استمناء

یکی از مواردی که در قبال آن به تعزیر تصریح‌شده، استمناء است. البته این حکم اجماعی است اما برای آن مستندی وجود دارد که در ابواب نکاح بهایم ذکرشده است.

#### مستند بحث

#### روایت اول

این روایت به خاطر محمد بن سنان ضعیف است؛

**«مُحَمَّدُ بْنُ یحْیی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَیدٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ ع أُتِی بِرَجُلٍ عَبِثَ بِذَکرِهِ فَضَرَبَ یدَهُ حَتَّی احْمَرَّتْ ثُمَّ زَوَّجَهُ مِنْ بَیتِ الْمَالِ.»[[5]](#footnote-5)**

 کسی استمناء کرده بود، حضرت دستش را زد تا قرمز شد، از بیت‌المال برای او همسری اختیار کرد، پس کشف می‌شود که او فقر داشته است.

#### روایت دوم

این روایت معتبره است؛

**«أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَرْقِی عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِی جَمِیلَةَ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ ع قَالَ: أُتِی عَلِی أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ ع بِرَجُلٍ عَبِثَ بِذَکرِهِ حَتَّی أَنْزَلَ فَضَرَبَ یدَهُ بِالدِّرَّةِ حَتَّی احْمَرَّتْ وَ لَا أَعْلَمُ إِلَّا وَ قَالَ زَوِّجُوهُ مِنْ بَیتِ مَالِ الْمُسْلِمِینَ.»[[6]](#footnote-6)**

حرمت در اینجا مؤکد است. و از مصادیق این آیه شریفه خواهد بود که؛

**«فَمَنِ ابْتَغی وَراءَ ذلِک فَأُولئِک هُمُ العادُونَ»[[7]](#footnote-7)**

لذا از معاصی کبیره خواهد بود.

1. - من لا یحضره الفقیه؛ ج 4، ص: 74. [↑](#footnote-ref-1)
2. - وسائل الشیعة؛ ج 28، ص: 280. [↑](#footnote-ref-2)
3. - تهذیب الأحکام؛ ج 10، ص: 63. [↑](#footnote-ref-3)
4. - الاستبصار فیما اختلف من الأخبار؛ ج 4، ص: 225. [↑](#footnote-ref-4)
5. - الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج 7، ص: 265. [↑](#footnote-ref-5)
6. - الاستبصار فیما اختلف من الأخبار؛ ج 4، ص: 226. [↑](#footnote-ref-6)
7. - مؤمنون/7. [↑](#footnote-ref-7)